



شناسایی و تدوین الگوی موانع مشارکت ورزشی جانبازان و معلولین استان همدان

مهدی وکیلی تنها^۱، سیروس احمدی^{۲*}، مجید سلیمانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۷

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۵/۲۶

ص ص: ۱۶۷-۱۹۰

چکیده

پژوهش حاضر باهدف شناسایی و تدوین الگوی موانع مشارکت ورزشی جانبازان و معلولین استان همدان انجام شد. در این تحقیق که به روش آمیخته انجام شد، محقق با مراجعه به دست‌اندرکاران، تصمیم‌گیرندگان و تأثیرگذاران ورزش جانبازان و معلولین استان همدان، از طریق مصاحبه عمیق به جمع‌آوری اطلاعات از آنان پرداخت و داده‌های حاصل از ۲۵ مصاحبه به روش تئوری سازی داده‌بنیاد کدگذاری و تجزیه و تحلیل گردید. سپس پرسشنامه‌ای مطابق با کدهای به‌دست‌آمده طراحی شد. با توجه به جامعه گسترده تحقیق و مراجعه به جدول مورگان با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب، پرسشنامه در میان ۳۸۴ نفر از جانبازان و معلولین استان توزیع و جمع‌آوری شد و با استفاده از نرم‌افزارهای اس. پی. اس. و پی. ال. اس تحلیل شد. طبق یافته‌های تحقیق در بحث موانع مشارکت در ورزش جانبازان و معلولین و در سه سطح زمینه‌ای (موانع مدیریتی و فنی و موانع اجتماعی و فرهنگی)، سازمانی (موانع اماکن و امکانات و موانع شهری) و رفتاری (موانع فردی و موانع خانوادگی)، بر عدم گرایش جانبازان و معلولین به ورزش در استان همدان مؤثرند که به ترتیب موانع اجتماعی، موانع

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران

m.vakilitanha@gmail.com

۲. استادیار گروه تربیت بدنی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

sirous.ahmadi54@gmail.com (نویسنده مسئول)*

۳. استادیار گروه تربیت بدنی، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران

Mjd_slymn@yahoo.com

فردی، موانع شهری، موانع اماکن و امکانات، موانع مدیریتی و فنی و درنهایت موانع خانوادگی دارای بیشترین تأثیر در عدم مشارکت ورزشی جانبازان و معلولین استان را داشتند. بنابراین با افزایش منافع مشارکت ورزشی به‌ویژه منافع سلامتی و تفریحی و همچنین با برطرف نمودن موانع مشارکت به‌ویژه موانع اجتماعی و امکاناتی، مشارکت جانبازان و معلولین در فعالیت‌های حرکتی و ورزشی افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت ورزشی، موانع ورزشی، ورزش جانبازان و معلولین.

Identifying and Developing a Pattern of Barriers to Sports Participation Veterans and Disabled in Hamadan Province

Mehdi Vakili Tanha¹, Sirous Ahmadi^{2*}, Majid Soleimani³

Abstract

One of the ways that can improve organizational productivity is to promote organizational behavior. It is positive in the organization. Therefore, the present study was conducted to investigate the effect of positive organizational behavior components on organizational productivity of Sistan and Baluchestan sports staff and youth. The research method was descriptive-correlational, and the statistical population of this study included all sports staff and youth of Sistan and Baluchestan, 190 of whom were selected using cluster and random sampling. The collection tools included the standard questionnaire of positive organizational behaviors of Lutans and Yousef (2007) and the standard productivity questionnaire of Olsania et al. (2012) was used to measure organizational productivity. Their validity was examined with Cronbach's alpha coefficient and 0.71 and 0.93, respectively. The data analysis method was descriptive-inferential and linear regression and SPSS software were used to test the hypotheses. The results showed that all four components of positive organizational behavior affect the organizational productivity of Sistan and Baluchestan sports staff and youth.

Keywords: Positive Organizational Behavior, Organizational Productivity, Self-assurance, Hope, Optimism.

1. Ph.D Student of Sport Management, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

m.vakilitanha@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Physical Education, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Corresponding Author: sirous.ahmadi54@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Physical Education, Malayer Branch, Islamic Azad University, Malayer, Iran

Mjd_slymn@yahoo.com

مقدمه

موضوع سلامت از دیرباز مورد توجه بشر بوده و مطالعات به عمل آمده نشان می‌دهد که انسان به طور پیوسته در این باره پی‌چاره‌جویی بوده است. در حال حاضر این توجه و حساسیت نه تنها کاهش نیافته، بلکه اهمیت آن به دلایل متعددی افزایش نیز یافته است. بخشی از این دلایل عبارت‌اند از؛ رشد و توسعه زندگی ماشینی، کاهش ساعات کار و فعالیت، ارتقای سطح آگاهی‌ها و دانش بشری و از همه مهم‌تر و مؤثرتر دگرگونی‌های فرهنگی و شکل‌گیری خاص تمایلات و علایق انسان‌ها. بر این اساس، تصمیم‌گیری اجتماعی و فردی درباره ایام فراغت، بخش قابل توجهی از زندگی بشر امروزی محسوب می‌شود و چشم‌پوشی از آن غیرممکن است، به گونه‌ای که بسیاری از کشورهای جهان با استفاده از نتایج تحقیقات و مطالعات در پی یافتن الگوی مناسب در جهت استفاده بهینه از اوقات فراغت جوامع خود هستند (یار احمدی و همکاران، ۱۳۹۵). نهضت جدید بهزیستی بر استفاده بهینه از اوقات فراغت و نقش آن در سلامت جسمی و روحی تأکید می‌کند و به پیشگیری پیش از درمان اهمیت می‌دهد (موسی‌راد و کشاورز، ۱۳۹۴). در این راستا بررسی و در صورت لزوم بازنگری الگوهای رایج گذران اوقات فراغت امری ضروری است. اگرچه این بررسی برای تمام اقشار جامعه یک نیاز اساسی است، اما سلامت جانبازان و معلولان و چگونگی گذران این اوقات در میان آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

یکی از مشکلات بارز افراد معلول، انزوای و کناره‌گیری از فعالیت‌های ورزشی و اجتماعی است که این خود باعث کاهش تحرک عمومی بدن می‌شود. کاهش تحرک نیز ممکن است منجر به وضعیت‌های نامطلوب بدنی شامل عادات نامناسب نشستن و خوابیدن، ناهنجاری‌های ستون فقرات و سایر مشکلات بدنی شود (بخشی مشهدلو و همکاران، ۱۳۹۶). این کاهش تحرک و عوارض ناشی از آن را می‌توان با برنامه‌ریزی‌های مناسب جبران نمود که از جمله این برنامه‌ها شناخت موانع مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی در افراد جانباز و معلول است. افراد جانباز و معلول به‌عنوان عضوی از جامعه این حق را دارند که برای پرداختن به ورزش و فعالیت بدنی فرصت برابری با دیگر افراد جامعه داشته باشند. همچنین آن‌ها باید بتوانند از تمامی امکانات و فضاهای ورزشی و تفریحی استفاده نمایند.

فعالیت بدنی و ورزش فراتر از یک وسیله تفریحی، عاملی در جهت تکامل نارسایی‌های جسمی و روانی جانبازان و معلولان است. فعالیت بدنی بخش حیاتی در زندگی آنان است و نه تنها برای افزایش سلامتی و جلوگیری از بیماری، بلکه برای کاهش عوارض ثانویه که از معلولیت آنان ناشی می‌شود ضروری است (پورسلطانی زرنده و همکاران، ۱۳۹۶). باور نمودن افراد جانباز و معلول و توسعه و تقویت و حمایت از فعالیت‌های ورزشی به‌منظور تأمین سلامت، نشاط روحی و بازتوانی جسمی آنان از جمله مهم‌ترین اهداف

تربیت بدنی افراد جانباز و معلول است. اگر می‌خواهیم که افراد معلول در جریان اصلی زندگی قرار گیرند، بایستی همانند افراد سالم از همه امکانات آموزشی، تفریحی و ورزشی بهره‌مند شوند و شاید فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت بتواند بهترین نقش را ایفا نماید (موسی‌راد و کشاورز، ۱۳۹۴). از طریق ارتباطات ورزشی، فاصله اجتماعی بین افراد سالم و افراد معلول کمتر شده و بدین ترتیب فرصت‌های لازم برای ابراز توانایی‌ها و ویژگی‌های مثبت و کارا، به‌خصوص در ارتباط با جامعه ایجاد می‌شود (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۰).

یکی از گام‌های اساسی در تأمین سلامت جانبازان، گسترش بهداشت جسم و روان و پرداختن به ابعاد مختلف آن‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی است. در این میان فعالیت بدنی منظم و عادت غذایی خوب می‌تواند سلامت جانبازان را ارتقا داده و از بسیاری از بیماری‌ها و حالات که علت عمده اختلالات جسمی و روانی جانبازان است، پیشگیری نماید. اصولاً جانبازان در طول فعالیت‌های ورزشی دیگران را می‌پذیرند، به خود اعتماد می‌کنند، حد توانایی خود را می‌شناسند و در زندگی فردی و اجتماعی خود از آن‌ها بهره می‌جویند (موسی‌راد و کشاورز، ۱۳۹۴).

جانبازان و معلولان از جمله افرادی هستند که در شرایط مطلوب جامعه می‌توانند به فعالیت‌های ورزشی بپردازند و از اوقات فراغت خویش بیشترین بهره را ببرند (حمایت‌طلب و همکاران، ۱۳۹۳). افراد جانباز و معلول در عین اینکه همانند افراد عادی در خطر ابتلا به بیماری‌ها و عوارض ثانویه‌ای هستند که ناشی از معلولیت آنان است. مشکلاتی نظیر انزوای اجتماعی، افسردگی، چاقی، درد، کم‌خوابی، استرس، مشکلات تنفسی، گرفتگی عضلانی، مشکل در دوست‌یابی و غیره نمونه‌هایی از این عوارض ثانویه هستند که به کمک ورزش و فعالیت بدنی منظم می‌توانند بسیاری از این شرایط را بهبود بخشند یا حتی از میان بردارند (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۱). بااینکه ورزش نقش بسیار مهمی در بهبود سلامت عمومی و تعامل اجتماعی معلولان دارد و این موضوع در پژوهش‌های بسیاری تأکید شده است (بخشایش و همکاران، ۱۳۹۱ و یازیک اوقلو^۱ و همکاران، ۲۰۱۲)، شواهد موجود، مشارکت اندک آنان در فعالیت‌های ورزشی را نشان می‌دهد.

یاموسی و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیقی مهم‌ترین موانع مشارکت ورزشی معلولین را عوامل مربوط به امکانات و تجهیزات، عوامل اجتماعی-فرهنگی، سیاسی و ... دانستند. ماری^۲ و همکاران (۲۰۰۷)، در تحقیقی با عنوان بررسی موانع اجتماعی، زیست‌محیطی و تفریحی کودکان و جوانان با معلولیت‌های

1. Yazicioglu

2. Mary

جسمی از شرکت در فعالیتهای ورزشی مدرسه به این نتایج دست یافتند که عواملی مثل وضعیت اقتصادی- اجتماعی، امکانات و تجهیزات، نگرشهای اجتماعی، سن و منطقه جغرافیایی از مهم ترین موانع شرکت در فعالیتهای ورزشی مدرسه می باشد. همچنین جانسون^۱ و همکاران (۲۰۰۷)، در تحقیقی به این نتیجه دست یافتند که شرکت در هر نوع فعالیت ورزشی توسط افراد معلول، بستگی به دوستی ها و روابط با دیگران دارد. حمایت قوی دوستان و خانواده ها می تواند سبب مشارکت آنان در فعالیتهای ورزشی به طور منظم شود. همین طور دریافتند که حمل و نقل یکی از اساسی ترین مشکلات افراد معلول برای پرداختن به فعالیتهای ورزشی است. بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی^۲، افزایش فعالیت فیزیکی می تواند سبب کاهش هزینه های مراقبت های بهداشتی و کاهش میزان مرگ و میر شود. برنامه های ورزشی می توانند با هزینه های کم اجرا شوند. به نظر می رسد پرداختن به آنها و تشویق مردم در این زمینه، راه عاقلانه ای برای بهبود سلامت عمومی جامعه باشد (مرتضایی و اندام، ۱۳۹۳).

در کشورهای پیشرفته دنیا امکانات و فعالیتهای ورزشی بسیاری ویژه افراد معلول در نظر گرفته شده است. علاوه بر ورزش های رایج معلولان، بسیاری از ورزش های دیگر نظیر فوتبال، اسکی، اسنوبورد و غیره نیز برای استفاده افراد معلول بستر سازی شده است. در ایران علی رغم وجود فدراسیون ورزش جانبازان و معلولان و در نظر گرفتن امکانات ورزشی این قشر، افراد جانباز و معلول به دلیل شرایط و مشکلات خاص خود، کمتر در فعالیتهای ورزشی شرکت می نمایند که به نظر می رسد این موانع و مشکلات باید شناسایی و مرتفع شوند. از سوی دیگر، این افراد اشتیاق فراوانی به شرکت در برنامه های تفریحی و ورزشی دارند که متأسفانه در این راه مشکلات و موانعی برای آنان وجود دارد که خود باعث عدم شرکت در فعالیتهای ورزشی و از دست دادن منافع و تأثیرات مثبت آن در ابعاد مختلف زندگی افراد جانباز و معلول می شود (صفانیا و مختاری، ۱۳۹۱). هدف از اجرای این پژوهش، بررسی موانع مشارکت در فعالیتهای ورزشی جانبازان و معلولین و طراحی مدلی جامع است.

امروزه، پدیده ورزش به عنوان یک ضرورت انکارناپذیر و یک نیاز اساسی و زیربنایی برای همه ی افراد جامعه، به طور عام و برای جانبازان و معلولین به طور خاص مورد توجه همگان قرار گرفته است. اگر ورزش برای همگان به طور جنبی در زندگی روزانه مطرح است و عدم ایجاد فعالیتهای ورزشی اختلال چندانی در زندگی روزمره ایجاد نمی کند، برای معلولین جزئی ضروری و حیاتی از فعالیتهای روزانه تلقی می -

1. Johnson
2. World Health Organization

شود و در صورت نپرداختن بدان، وقفه و اختلالی در مسیر بهبودی یا حفظ شرایط کنونی به وجود خواهد آورد. مسئله عدم تحرک بدنی در افراد جانباز و معلول با توجه به مشکلات جسمی موجود در پیکره وجودی و مشکلات ناشی از محیط و جامعه به گونه دیگر قابل بررسی است. این افراد از یک طرف به دلیل معلولیت جسمی محدودیت حرکتی دارند و از طرف دیگر، نوع معلولیت، آنان را از پرداختن به بعضی از فعالیت‌های ورزشی باز می‌دارد؛ بنابراین مقوله فعالیت‌های ورزشی برای افراد جانباز و معلول از دو جنبه درمانی که هدف آن تأمین سلامتی است و دیگری پیشگیری از مبتلا شدن به بیماری‌های ثانویه حائز اهمیت است. از این رو با توجه به تحولات همه‌جانبه کشور، ضرورت لزوم بازنگری الگوهای رایج مشارکت در فعالیت ورزشی ضروری به نظر می‌رسد. اگرچه این بررسی برای کلیه اقشار و گروه‌های اجتماعی یک نیاز اساسی است، چگونگی مشارکت فعالیت ورزشی در میان جانبازان و معلولان اهمیت ویژه‌ای دارد. تعداد جانبازان به دلیل حوادث و وقایع دوران انقلاب و بروز جنگ هشت‌ساله میان ایران و عراق از میزان شایان توجهی برخوردار است. ضرورت انجام تحقیق حاضر این است که نتایج این تحقیق می‌تواند موانع حضور در ورزش کسانی که به نوعی دچار معلولیت هستند را شناسایی کرده و به مسئولان ورزش کشور برای ایجاد انگیزه و برطرف کردن این موانع کمک کند.

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه به روش آمیخته یا ترکیبی و از نوع طرح‌های تحقیق متوالی اکتشافی بود که در دو مرحله پیاپی انجام شد. روش ترکیبی، مجموعه اقداماتی است برای جمع‌آوری، تحلیل و ترکیب اطلاعات کیفی و کمی در یک مطالعه واحد به منظور شناخت مسأله تحقیق. طرح متوالی اکتشافی: در این طرح ابتدا داده‌های کیفی گردآوری و تحلیل می‌شوند، سپس در مرحله دوم داده‌های کمی گردآوری و تحلیل می‌شوند و در نهایت، هردو تحلیل کیفی و کمی یکجا مورد تفسیر قرار می‌گیرند (محمدپور، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر نیز ابتدا تحقیق در فاز کیفی پیش رفت و سپس یافته‌های کیفی اساس داده‌ها و تحلیل را در فاز کمی تشکیل داد.

مرحله اول (فاز کیفی) مطالعه کیفی و به روش گراند تئوری (نظریه زمینه‌ای) بود؛ روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی و از مصاحبه عمیق به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد؛ در این مرحله با استفاده از مصاحبه عمیق با نمونه‌ها، کلیه موانع مشارکت در ورزش جانبازان و معلولین شناسایی، کدگذاری و دسته‌بندی شد. پرسش‌های مصاحبه با استفاده از مبانی نظری، پیشینه تحقیق و مدل‌های ورزشی موجود در سایر کشورها تدوین شده و با توجه به گستردگی جامعه و نمونه تحقیق و تنوع سلايق

و تجارب آنان برای پالایش و رسیدن به اجماع در مورد سؤالات از تکنیک دلفی استفاده شد. در بخش میدانی فاز نخست تحقیق به صورت مصاحبه با قالب پرسش‌های پاسخ باز که بر اساس تحقیقات و پیشینه تحقیق طراحی شده‌اند انجام شد و در فاز دوم پرسشنامه‌ای که بر اساس کدگذاری‌های انجام شده در فاز نخست تشکیل شد بین جامعه آماری پخش شد تا میزان اهمیت عوامل شناسایی شده مشخص شود.

جامعه آماری مورد نظر این تحقیق در فاز نخست کلیه افراد دست‌اندرکار در ورزش جانبازان و معلولین شامل مدیران، مربیان، اساتید دانشگاهی آگاه به ورزش جانبازان و معلولین و ورزشکاران نخبه ورزش جانبازان و معلولین استان همدان است که تعداد آن‌ها نامحدود می‌باشد. نمونه‌گیری به روش هدفمند و گلوله برفی انجام گرفت و از مصاحبه‌ی عمیق به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شد. حجم نمونه در فاز اول در ادامه تحقیق و برحسب مصاحبه‌های انجام شده و زمان رسیدن به کفایت مصاحبه مشخص شد که در مجموع با ۲۵ نفر از خبرگان مصاحبه انجام شد که از مصاحبه پانزدهم به بعد، میزان تکرار در اطلاعات دریافتی افزایش یافت و از مصاحبه بیست و یکم به بعد داده‌ها کاملاً تکراری و به اشباع رسیده بود؛ اما برای اطمینان تا مصاحبه بیستم و پنجم ادامه یافت.

مرحله دوم (فاز کمی) مطالعه به صورت کمی و به روش مدل‌سازی معادله ساختاری بود، جامعه آماری در این فاز کلیه جانبازان و معلولین (جسمی - حرکتی و کم‌توان ذهنی)، نابینایان و ناشنوایان (ورزشکار و غیر ورزشکار) استان همدان در نظر گرفته شدند (۵۵۴۷۳ نفر) که حجم نمونه مطابق با جدول مورگان تعیین (۳۸۴ نفر) و روش نمونه‌گیری به صورت نسبی (به نسبت جمعیت جانباز و معلول هر شهرستان استان همدان که در مجموع شامل ۸ شهرستان) بود و از پرسشنامه محقق ساخته به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات استفاده گردید، (پرسش‌نامه مورد استفاده بر اساس عوامل شناسایی شده در فاز اول پژوهش تنظیم و به روش دلفی پالایش شد و بر اساس کلیه‌ی موارد شناسایی شده در فاز اول پژوهش، در فاز دوم به دنبال سنجش میزان اهمیت هر عامل، چگونگی روابط بین عوامل شناسایی شده و تحلیل کلیه متغیرهای مؤثر بر مشارکت ورزشی این افراد بود).

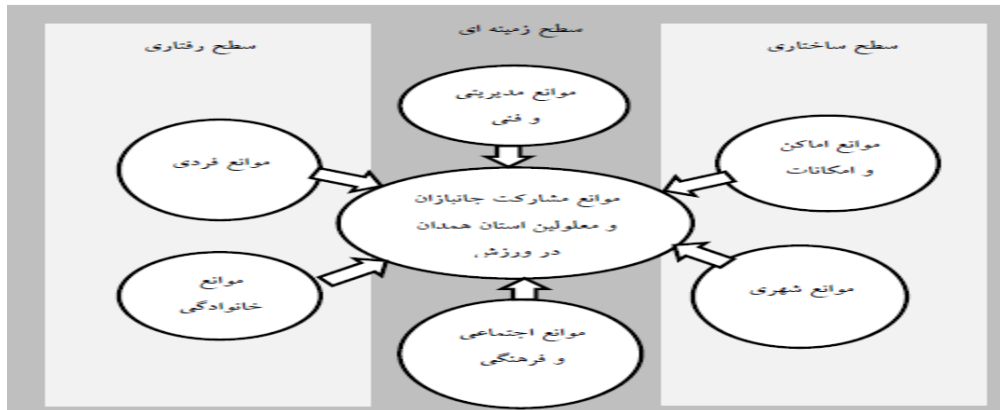
در فاز دوم روش‌های آماری توصیفی (فراوانی/ درصد/ میانگین/ انحراف استاندارد) مورد استفاده قرار گرفت و با استفاده از روش‌های آمار استنباطی شامل محاسبه اعتبار سازه پرسشنامه و بررسی ساختار عاملی آن بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی در فاز اول و تأییدی در فاز دوم (معادلات ساختاری

پی.ال.اس و تحلیل مسیر) با استفاده از نرم‌افزار پی ال اس^۱ محاسبه پایایی مقیاس‌ها و خرده مقیاس‌های پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ، محاسبه معناداری آماری ضرایب مسیر و نمرات تی به ترتیب اهمیت تأثیرگذاری با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه سلسله‌مراتبی، از طریق نرم‌افزار پی ال اس انجام شد.

یافته‌های پژوهش

فاز اول: مرحله کیفی: مراحل تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی در قالب سه مرحله کدگذاری ارائه شد. گام اول: کدگذاری باز، گام دوم: کدگذاری محوری، گام سوم: مرحله نظریه‌پردازی (کدگذاری انتخابی) پس از اینکه تمامی داده‌ها به صورت یادشده کدگذاری باز و محوری شدند، نوبت به گروه‌بندی آن‌ها رسید؛ در واقع هدف نظریه‌پردازی بنیادی، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده. برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، طبقه‌ها باید به طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی بر اساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری، مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. به این ترتیب که طبقه محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند اصلاح می‌کند (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۳).

مدل موانع مؤثر بر گرایش جانبازان و معلولین به ورزش در استان همدان در فاز اول (بخش کیفی) بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها و ادبیات نظری، اقدام به استخراج و طراحی مدل شد. در بخش مبانی نظری پژوهش تشریح شد که بر اساس مدل سه‌شاخگی هر تئوری را می‌توان در سه سطح (زمینه‌ای، ساختاری و رفتاری) تجزیه و تحلیل نمود، برای طراحی مدل موانع مؤثر بر گرایش جانبازان و معلولین به ورزش در استان همدان نیز از این سه سطح استفاده گردید. همان‌طور که در شکل ۱ مشخص شده است، در واقع دو سطح ساختاری و رفتاری (که با هاشور کم‌رنگ مشخص شده‌اند)، ریشه در سطح زمینه‌ای (که با هاشور پررنگ مشخص شده است)، دارند.



شکل ۱. مدل موانع مشارکت جانبازان و معلولین استان همدان در ورزش (مدل فاز اول - کیفی)

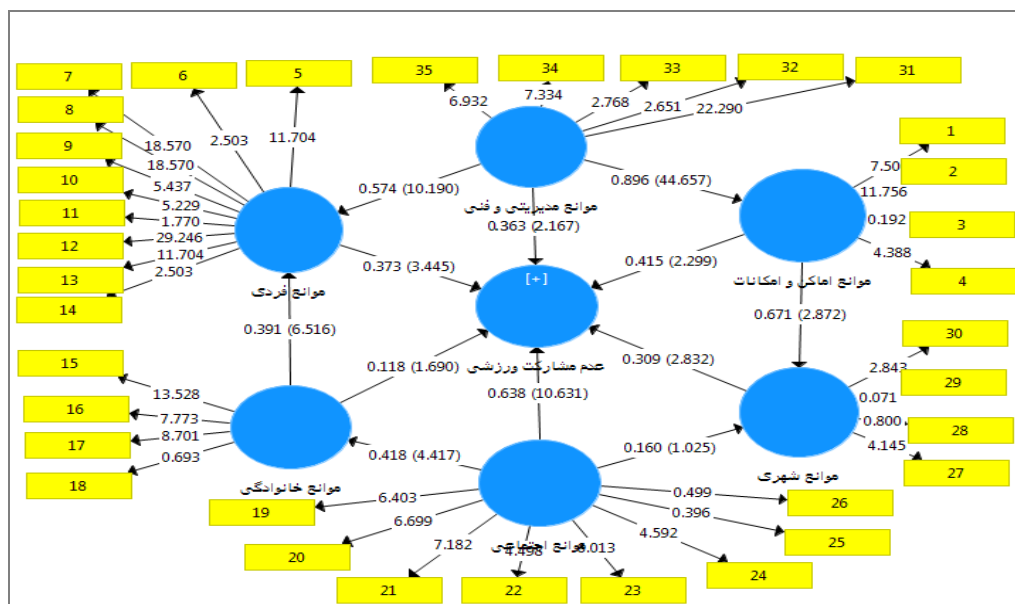
فاز دوم: مرحله کمی

یافته‌های استنباطی: در این قسمت به پاسخ‌گویی سؤال‌های تحقیق می‌پردازیم تا ببینیم آیا مدل برآمده از فاز کیفی مطالعه مورد مایید قرار می‌گیرد یا خیر؟ همچنین به روابط بین سطوح مدل مطرح شده در فاز کیفی پژوهش از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری می‌پردازیم.

ارائه مدل تحقیق

برای بررسی برازش مدل تحقیق از نرم‌افزار طراحی معادلات ساختاری اسمارت پی.ال.اس نسخه سه^۱ استفاده شده است. نتیجه این بررسی در گراف خروجی نرم‌افزار و شکل ۲ آمده است.

1. Smart PLS (3)



شکل ۲. مدل برازش شده تحقیق، ضریب مسیر، موانع مشارکت

ارزیابی مدل پژوهش

روش برآورد در پی.ال.اس، ناپارامتری است. از این رو، شاخص‌های به‌دست‌آمده در پی.ال.اس همگی کیفیت برازش را نشان می‌دهند. از جمله شاخص‌های مهم، شاخص‌های روایی و پایایی مدل و همچنین برآورد مستقل بودن شاخص‌ها و مجذور همبستگی است که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌کنید.

جدول ۱. شاخص‌های گزارش شده مدل طراحی شده موانع مشارکت

متغیر	شاخص	آلفای کرونباخ	میانگین واریانس استخراج شده AVE	هم خطی بین شاخص‌ها VIF	مجذور R یا R ²
موانع مشارکت در ورزش	۰/۸۹	۰/۶۵	۰/۲۳	۰/۹۳	
موانع اماکن و امکانات	۰/۶۲	۰/۸۴	۰/۱۸	۰/۸۷	
موانع شهری	۰/۶۵	۰/۶۵	۰/۳۸	۰/۹۲	
موانع فردی	۰/۶۶	۰/۵۶	۰/۱۴	۰/۷۰	
موانع اجتماعی	۰/۷۰	۰/۶۲	۰/۲۹	۰	
موانع خانوادگی	۰/۷۹	۰/۵۶	۰/۳۷	۰/۸۱	
موانع مدیریتی و فنی	۰/۶۱	۰/۷۸	۰/۲۶	۰	

آلفای کرونباخ، ضریب میانگین واریانس استخراج شده^۱، ضریب هم خطی بین شاخص‌ها^۲ و ضریب تعیین

سازگاری درونی که آلفای کرونباخ آن را اندازه‌گیری می‌کند به معنای این است که تا چه حدی تمام اجزا در یک آزمون، یک مفهوم یکسان را بیان کرده و نشان‌دهنده ارتباط درونی این اجزاست. ضریب آلفای کرونباخ مجموع ۰/۸۹ محاسبه شد و همچنین با توجه به اینکه در سایر فاکتورها نیز بیشتر از (۰/۶) است، پس در همه متغیرهای ما مورد قبول می‌باشد.

در مدلیابی پی ال اس، یکی دیگر از معیارهای مناسب برای ارزیابی مدل بیرونی این است که سازه باید بیشترین واریانس مشترک را با نشانگرهایش نسبت به اشتراک آن با سازه‌های دیگر در یک مدل معین داشته باشد. محققین مقادیر میانگین واریانس استخراج شده ۰/۵ و بیشتر را توصیه می‌کنند و این امر به معنای آن است که سازه مورد نظر حدود ۵۰ درصد و یا بیشتر واریانس‌های نشانگر خود را تبیین می‌کند و اگر ضریب میانگین واریانس استخراج شده بیش از (۰/۵) باشد، روایی مدل نیز تأیید می‌گردد. با توجه به جدول فوق ضریب میانگین واریانس استخراج شده در مجموع ۰/۶۵ برآورد شده است و همچنین برای تک تک متغیرها بیش از ۰/۵ هست بنابراین روایی مدل مورد مایید می‌باشد.

ضریب ضریب هم خطی بین شاخص‌ها یا عامل تورم واریانس، شدت همخطی چندگانه را در تحلیل رگرسیون معمولی ارزیابی می‌کند. در واقع این شاخص بیان می‌دارد چه مقدار از تغییرات مربوط به ضرایب برآورد شده بابت همخطی افزایش یافته است. به عبارتی دیگر، هرچه مقدار این ضریب افزایش یابد، باعث می‌شود که واریانس ضرایب افزایش یافته و در نتیجه مدل رگرسیون را برای پیش‌بینی، نامناسب جلوه دهد. مطابق جدول فوق، مقادیر ضریب ضریب هم خطی بین شاخص‌ها، در همه موارد کمتر از ۱ می‌باشد که نشان می‌دهد شاخص‌های تشکیل دهنده سازه هم خطی بیش از اندازه با همدیگر ندارند، بنابراین پیش‌بینی‌های به دست آمده از مدل قابل اعتماد می‌باشند.

ضریب تعیین ارتباط بین مقدار واریانس شرح داده شده یک متغیر نهفته را با مقدار کل واریانس آن سنجش می‌نماید. مقدار این ضریب نیز از ۰ تا ۱ متغیر است که مقادیر بزرگ‌تر، مطلوب‌تر است. محققان در کل مقادیر نزدیک به ۰/۶۷ را مطلوب، نزدیک به ۰/۳۳ را معمولی و نزدیک به ۰/۱۹ را ضعیف ارزیابی می‌نمایند. هر چه R^2 مربوط به سازه‌های درون‌زای یک مدل بیشتر باشد، نشان از برازش

1. Average Variance Extracted
2. Variance Inflation Factor

بهتر مدل است. همان طور که در جدول ۱ مشاهده می‌کنیم مقدار ضریب تعیین برای همه متغیرهای برون‌زا صفر و برای همه متغیرهای درون‌زا بالاتر از ۰/۷۰ می‌باشد که نشان از برازش خوب مدل به دست آمده می‌باشد.

برازش کلی مدل

برازش کلی مدل شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود و با مایید برازش آن بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. برای بررسی برازش مدل کلی از یک معیارهای به نام SRMR، d_G، d_ULS، NFI و GOF استفاده می‌شود.

$$GOF = \sqrt{AVERAGE(AVE) \times AVERAGE(R^2)}$$

جدول ۲. معیارهای نیکویی برازش مدل کلی موانع مشارکت

نتیجه	مقدار مشاهده شده	محدوده قابل قبول	متغیرها
برازش متناسب	۰/۰۵۲	کمتر از ۰/۰۸ (Hu & Bentler, 1999)	SRMR
برازش متناسب	۰/۸۴۶	کمتر از ۰/۹۵ (Henseler et al, 2015)	d-ULS
برازش متناسب	۰/۶۳۷	کمتر از ۰/۹۵ (Henseler et al, 2015)	d-G
برازش متناسب	۰/۷۱۸	بیشتر از ۰/۵ (Bonett & Bentler, 1999)	NFI
برازش متناسب	۰/۵۰۳	بیش از ۰/۲۵ (وتزلس و همکاران)	GOF

با توجه به مقادیر به دست آمده، داده‌های جمع‌آوری شده برای اندازه‌گیری متغیرهای پنهان از کفایت و برازش لازم برخوردارند و در نتیجه، نتایج حاصل از برآورد مدل کلی قابل اتکا و مورد اعتماد می‌باشد.

بررسی مسیرها و فرضیه‌های تحقیق در مدل‌های ارائه شده

در مدل‌های مسیری پی.ال.اس، آزمون معناداری مسیرها از طریق روش خودگردان‌سازی یا بوت استراپ که روش باز نمونه‌گیری است، آزمون می‌شوند. بر اساس بوت استراپ می‌توان آزمون فرضیات مربوطه را انجام داد. در خروجی‌های مربوطه، ضریب مسیر به همراه نمره‌های استخراج شده آماره t وجود دارد. جدول ۳ ضرایب مسیر و اعداد t را نمایش می‌دهد.

جدول ۳. مسیرهای مدل موانع مشارکت در ورزش

مسیرها	ضریب مسیر	آماره t	مقادیر P	نتیجه
موانع اجتماعی -> عدم مشارکت ورزشی	۰/۶۳۸	۱۰/۶۳۱	۰/۰۰۰	√
موانع اجتماعی -> موانع خانوادگی	۰/۴۱۸	۴/۴۱۷	۰/۰۰۰	√
موانع اجتماعی -> موانع شهری	۰/۱۶۰	۱/۰۲۵	۰/۱۵۳	×
موانع اماکن و امکانات -> عدم مشارکت ورزشی	۰/۴۱۵	۲/۲۹۹	۰/۰۱۱	√
موانع اماکن و امکانات -> موانع شهری	۰/۶۷۱	۲/۸۷۲	۰/۰۰۲	√
موانع خانوادگی -> عدم مشارکت ورزشی	۰/۱۱۸	۱/۶۹۰	۰/۰۴۶	√
موانع خانوادگی -> موانع فردی	۰/۳۹۱	۶/۵۱۶	۰/۰۰۰	√
موانع شهری -> عدم مشارکت ورزشی	۰/۳۰۹	۲/۸۳۲	۰/۰۰۲	√
موانع فردی -> عدم مشارکت ورزشی	۰/۳۷۳	۳/۴۴۵	۰/۰۰۰	√
موانع مدیریتی و فنی -> عدم مشارکت ورزشی	۰/۳۶۳	۲/۱۶۷	۰/۰۰۲	√
موانع مدیریتی و فنی -> موانع اماکن و امکانات	۰/۸۹۶	۴۴/۶۵۷	۰/۰۰۰	√
موانع مدیریتی و فنی -> موانع فردی	۰/۵۷۴	۱۰/۱۹۰	۰/۰۰۰	√

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها به روش تئوری‌سازی دانه‌بنیاد، در بخش مربوط به موانع مشارکت در ورزش ۳۵ عامل مؤثر بر عدم مشارکت جانبازان و معلولین در ورزش استان همدان، در قالب سه سطح زمینه‌ای، ساختاری و رفتاری شناسایی شد. سطح زمینه‌ای دارای دو مؤلفه «موانع مدیریتی و فنی» و «موانع فرهنگی و اجتماعی»، سطح ساختاری دارای دو مؤلفه «موانع اماکن و امکانات» و «موانع شهری» و سطح رفتاری نیز دارای دو مؤلفه «موانع فردی» و «موانع خانوادگی» بود.

نتایج آزمون آماری نشان داد که بین موانع مدیریتی و فنی و عدم شرکت جانبازان و معلولین در ورزش رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد، یعنی با افزایش موانع مدیریتی و فنی، عدم مشارکت ورزشی نیز افزایش می‌یابد. عوامل مربوط به مؤلفه «موانع مدیریتی و فنی» شامل این موارد بودند: مربی بیش از حد از من انتظار دارد و انگیزه ورزش کردن را در من از بین می‌برد، زمان‌بندی سالن‌های ویژه جانبازان و

معلولین با زمان کاری من هماهنگی ندارد، مربی متخصص ویژه جانبازان و معلولین نیست، نبودن الگوهای موفق ورزش جانبازان و معلولین در سطح استان، عدم آگاهی جانبازان و معلولین از توانایی‌های خود و ترس از آسیب ناشی از ورزش. در این خصوص به‌عنوان مثال می‌توان به مواردی چون برگزار نشدن مسابقه همانند سایر افراد جامعه برای افراد جانباز و معلول اشاره کرد. شواهد مختلفی درباره عدم ارائه برنامه‌های مناسب فعالیت بدنی برای جانبازان و معلولین وجود دارد.

کارینگتون و الکینز^۱ (۲۰۰۵) دریافتند که احتیاجات افراد جانباز و معلول برآورده نمی‌شود، زمانی که مربیان اعتقادی به مسئولیت خود در قبال این دسته افراد جامعه ندارند. کمبود دانش مربیان به‌عنوان یکی از موانع در تحقیقات آمده است. همچنین در تحقیقی با مصاحبه با ۲۲ نفر گزارش شد که کمبود دانش مربیان، مانع اصلی عدم مشارکت ورزشی معلولین در جامعه بوده است. تحقیقات مختلف، این کمبود دانش را به دودسته تقسیم‌بندی کرده‌اند: اول، دانش فنی مربوط به راهبردها و رویه‌های لازم برای برآوردن نیازهای افراد جانباز و معلول (مارشال^۲ و همکاران، ۲۰۰۲) و دوم، کمبود دانش و ادراک در خصوص جنبه‌های عمومی عدم فعالیت بدنی و مشارکت این افراد (ریتا ساینی^۳، ۲۰۱۳). آلیسون^۴ و همکاران (۲۰۱۷) بیان داشتند که این عقیده که افراد معلول بر اثر فقدان بودجه کافی از مشارکت بازمی‌مانند، یک افسانه است. آن‌ها در مقابل، نگرش‌ها و باورهای نادرست در خصوص حقوق و توانایی معلولان را از موانع اصلی دانسته و بر نقش مدیریت و برنامه‌ریزی منظم در برآوردن نیازهای این افراد تأکید کردند.

نتایج آزمون آماری نشان داد که بین موانع اجتماعی و فرهنگی و عدم شرکت جانبازان و معلولین در ورزش رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد، یعنی با افزایش موانع اجتماعی و فرهنگی، عدم مشارکت ورزشی نیز افزایش می‌یابد. عوامل مربوط به مؤلفه «موانع فرهنگی و اجتماعی» شامل این موارد بودند: به خاطر بی‌توجهی مسئولین به ورزش جانبازان و معلولین، انگیزه‌ای برای شرکت در ورزش ندارم، در مسیر رفت‌وآمد از جانب دیگران مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرم، به دلیل نبود یک فرد کمکی در محل تمرینات از فعالیت ورزشی خودداری می‌کنم، ورزش جانبازان و معلولین فقط برای شرکت در مسابقه است، به همین دلیل در آن شرکت نمی‌کنم، مسابقات و فعالیت‌های ورزشی جانبازان و معلولین در رسانه‌ها انعکاس ندارد، ارگان‌های بهزیستی، بنیاد شهید و ایثارگران برای شرکت در فعالیت ورزشی از

1. Carrington, S., & Elkins
2. Marshall
3. Rita Saini
4. Alyson

من حمایت نمی‌کنند، اطلاع‌رسانی در خصوص ورزش جانبازان و معلولین از طریق ارگان‌های چون بهزیستی و بنیاد شهید و جانبازان انجام نمی‌شود، هیئت جانبازان و معلولین، در تهیه و توزیع تجهیزات ورزشی ویژه برای شرکت در فعالیت ورزشی کم‌کاری می‌کند.

جیمز^۱ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی در زمینه مشارکت دختران و پسران در فعالیت‌های ورزشی به این نتیجه رسیدند که مشارکت دختران و پسران در فعالیت‌های ورزشی بیشتر تحت تأثیر موانع اجتماعی قرار می‌گیرد؛ بنابراین مسئولان متخصص باید جوانان (دختران و پسران) را برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی تشویق کنند. در بحث موانع اجتماعی و فرهنگی، عدم حمایت افراد، مراکز آموزشی، رسانه‌های جمعی، توجه کمتر مسئولان به ورزش جانبازان و معلولین و نبود الگوی موفق ورزشی موجب شده است تا جانبازان و معلولین تمایل کمتری به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی داشته باشند. در راستای رفع این موارد، ایجاد مسابقات ورزشی ویژه جانبازان و معلولین در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی، معرفی و تجلیل از ورزشکاران موفق و تبلیغات گسترده رسانه‌های جمعی در زمینه ورزش جانبازان و معلولین مؤثر خواهد بود.

نتایج آزمون آماری نشان داد که بین موانع اماکن و امکانات با عدم مشارکت ورزشی جانبازان و معلولین همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد، یعنی با افزایش موانع اماکن و امکانات، عدم مشارکت ورزشی نیز افزایش می‌یابد. عوامل مربوط به مؤلفه «موانع اماکن و امکانات» شامل این موارد بودند: لوازم و تجهیزات مناسب برای ورزش جانبازان و معلولین وجود ندارد، امکانات و فضاهای ورزشی در دسترس نیستند، اماکن ورزشی مناسب‌سازی نشدند و ایمن نیستند (ورودی‌ها و رختکن‌ها و ...)، سالن ورزشی ویژه جانبازان و معلولین وجود ندارد.

در این راستا قهرمان تبریزی و رضوی محمودآبادی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به شناسایی و اولویت‌بندی موانع مشارکت کارکنان ادارات دولتی استان کرمان در فعالیت‌های ورزشی پرداختند. نتایج نشان داد نبود امکانات و تسهیلات ورزشی در سطح ادارات دولتی استان کرمان و فقدان برنامه‌ریزی مناسب برای فعالیت‌های ورزشی از موانع اصلی عدم مشارکت هستند. همچنین ویکر^۲ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود به بررسی عوامل سطح کلان و خرد مشارکت ورزشی ساکنان شهر مونیخ پرداختند. نتایج نشان داد جدا از عوامل سطح خرد، در دسترس نبودن استخرهای شنا و پارک‌ها و اماکن ورزشی عاملی مهم برای

1. Jimes
2. Wicker

عدم شرکت ساکنان شهر در فعالیت‌های ورزشی است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده به نظر می‌رسد که موانع اماکن و امکانات نقش بسیار مهم در میزان مشارکت یا عدم مشارکت جانبازان و معلولین در فعالیت‌های ورزشی دارند، چراکه بر اساس مطالعات و پیشینه پژوهش هرکجا که این عامل به نحو مطلوب وجود داشته، میزان مشارکت افراد بالا و هرکجا که این عامل ضعیف بوده و خلاء آن احساس شده، خود را به‌صورت مانع نشان داده است؛ بنابراین مسئولان و متصدیان ورزش جانبازان و معلولین باید به این عامل توجه ویژه نموده و برای رفع آن گام‌های اساسی برداشته شود.

بر اساس نتایج آزمون آماری بین موانع شهری و عدم مشارکت ورزشی جانبازان و معلولین رابطه معنی‌داری وجود داشت، یعنی با افزایش موانع شهری، عدم مشارکت ورزشی نیز افزایش می‌یابد. عوامل مربوط به مؤلفه «موانع شهری» شامل این موارد بودند: برای رفتن به اماکن ورزشی وسایل حمل‌ونقل عمومی مناسب‌سازی نشده‌اند، سالن‌های ورزشی ویژه جانبازان و معلولین در مسیر حمل‌ونقل عمومی قرار نگرفته‌اند، برای رفتن به سالن ورزشی می‌بایست مسیری را پیاده طی کنیم که برایم مشکل است، به دلیل عدم مناسب‌سازی فضای شهری (پل‌های هوایی و ...) عبور از خیابان برایم مشکل است.

ترافیک شهری و سیستم حمل‌ونقل عمومی شهری موضوعی حیاتی و بسیار مهم در ارتباط با افراد دارای معلولیت است و آثار مستقیمی بر روی زندگی همه افراد بخصوص معلولان و جانبازان دارد. عموماً آن‌ها هنگام خروج از منزل برای رفتن به محل کار، یا تمرین و ورزش و یا محل تحصیل یا هر جای دیگری که قصد رفتن به آنجا را دارند، مشکلات متعددی را تجربه می‌کنند. لذا باید در جهت رفع این موانع اقدامات مناسبی رخ دهد. از این‌رو مناسب‌سازی فضای شهری و ورزشی می‌تواند به افزایش مشارکت این افراد کمک کند. بخشی از مدال‌آوری، افتخارآفرینی در میدان‌ها ورزشی به دست معلولان و جانبازان ورزشکار صورت می‌پذیرد. این در حالی است که مطالعات برنت^۱ و همکاران (۲۰۱۸)، نشان داد، مجموعه‌های ورزشی به‌عنوان جزئی از فضاهای عمومی شهری در بسیاری از کشورها هنوز برای استفاده این قشر از جامعه مناسب نیستند. قطعاً بهره‌گیری از چند الگوی مناسب و پیشرفته در جهان که شامل طراحی‌های موفق سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی و ساختار فضای شهری مناسب برای افراد جانباز و معلول می‌باشند، می‌تواند به بهبود شرایط در کشور ما کمک کند. تجهیز فضای شهر، پل‌های عابر پیاده، پیاده‌روها و وسایل حمل‌ونقل عمومی مانند مترو و اتوبوس به امکانات موردنیاز افراد معلول و جانباز می‌تواند موجب دلگرمی و انگیزه بیشتری در آنها جهت تردد به اماکن ورزشی و انجام فعالیت‌های

جسمانی جدی‌تر در حوزه ورزش و تربیت‌بدنی شود. چین و ژاپن نمونه بارز کشورهای آسیایی هستند که بخش عمده‌ای از فضاهای شهری آن‌ها برای افراد جانباز و معلول مناسب‌سازی شده است، در مورد چین همین بس که برای برگزاری مسابقات پارالمپیک بسیاری از شهرهای میزبان این کشور به‌صورت کامل مناسب‌سازی شد (شفیع پور مطلق و ترابی نهاد، ۱۳۹۵).

بر اساس نتایج آزمون آماری بین موانع فردی و عدم مشارکت ورزشی جانبازان و معلولین رابطه معنی‌داری وجود داشت، یعنی با افزایش موانع فردی، عدم مشارکت ورزشی نیز افزایش می‌یابد. عوامل مربوط به مؤلفه «موانع فردی» شامل این موارد بودند: به دلیل مشکلات جسمی، روحی و روانی نمی‌توانم در فعالیت ورزشی شرکت کنم، هیچ علاقه و انگیزه‌ای برای شرکت در فعالیت ورزشی جسمانی ندارم، به دلیل اشتغال به کار، تحصیل و ... امکان شرکت در فعالیت ورزشی را ندارم، دوست و هم‌تیمی مناسب برای ورزش کردن ندارم، ورزش کردن در کنار افراد سالم را دوست ندارم، به دلیل کلاس‌بندی پزشکی در ورزش موردعلاقه‌ام نمی‌توانم شرکت کنم، رشته موردعلاقه من در لیست ورزش‌های هیئت جانبازان و معلولین نمی‌باشد، اطلاعات کافی در خصوص فواید فعالیت ورزشی و جسمانی ندارم، کمک کردن دیگران آزارم می‌دهد، به دلیل هزینه‌ی بالای ورزش، مایل به شرکت در فعالیت ورزشی نیستم. در همین راستا اشرفی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی ارتباط بین عوامل بازدارنده فعالیت بدنی با مراحل تغییر رفتار ورزشی در جانبازان و معلولان شهر ارومیه پرداختند. نتایج نشان داد بین عوامل بازدارنده شخصی با مراحل تغییر رفتار ورزشی رابطه معنی‌داری وجود دارد. وحدانی نیا و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیق خود بیان می‌کند که از مهم‌ترین دلایل عدم مشارکت ورزشی موانع فردی است. این‌گونه به نظر می‌رسد که در این راستا مسئولان با برگزاری مسابقات و رویدادهای ورزشی برای جانبازان و معلولین باید این مانع را رفع و سبب از بین رفتن بی‌علاقگی افراد جانباز و معلول به ورزش و فعالیت بدنی شوند و آن‌ها را به سمت ورزش سوق دهند.

نتایج آزمون آماری نشان داد که بین موانع خانوادگی و عدم شرکت جانبازان و معلولین در ورزش رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد، یعنی با افزایش موانع خانوادگی، عدم مشارکت ورزشی نیز افزایش می‌یابد. عوامل مربوط به مؤلفه «موانع خانوادگی» شامل این موارد بودند: خانواده هزینه شرکت در فعالیت ورزشی من را پرداخت نمی‌کند، خانواده من را برای شرکت در فعالیت ورزشی همراهی نمی‌کند، خانواده‌ام شرکت در فعالیت ورزشی را برای من خطرناک می‌دانند، برای ورزش کردن باید از خانه خارج شوم، خانواده‌ام نمی‌خواهند همسایه‌ها از داشتن فرزند معلول باخبر شوند.

آقایی و فتاحیان (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان تجزیه و تحلیل تطبیق‌پذیری موانع مشارکت ورزشی دبیران زن ورزشکار و غیر ورزشکار با استفاده از مدل هرمی موانع کرافورد انجام دادند و ابراز داشتند که موانع خانوادگی از جمله عوامل اثرگذار بر عدم شرکت افراد در فعالیت‌های ورزشی است. زبردست و شریفیان (۱۳۹۵) در بررسی عوامل بازدارنده مشارکت ورزشی، یکی از علل حضور نیافتن در فعالیت‌های ورزشی را موانع خانوادگی دانستند. در این راستا برخی عوامل می‌توانند در برطرف کردن موانع خانوادگی مؤثر باشند، از جمله همراه شدن دیگر افراد خانواده با افراد جانباز و معلول در فعالیت‌های ورزشی. از این رو باید با شناسایی بیشتر این عوامل و رفع آن‌ها به مشارکت هر چه بیشتر جانبازان و معلولین در فعالیت‌های ورزشی کمک نمود. همچنین رفتار و شرایط خانواده باید به گونه‌ای باشد که باعث ایجاد انگیزه در جانبازان شود تا این افراد به فعالیت‌های ورزشی علاقه‌مند شده و به‌طور منظم و مستمر در آن شرکت کنند.

با توجه به نمرات تی اولویت اثرگذاری موانع مشارکت در ورزش به ترتیب: موانع اجتماعی، موانع فردی، موانع شهری، موانع اماکن و امکانات، موانع مدیریتی و فنی و موانع خانوادگی بودند. همچنین موانع مدیریتی و فنی بر موانع اماکن و امکانات و موانع فردی تأثیر معناداری داشت. از دیگر مسیرهای معنادار در مدل می‌توان به تأثیر موانع خانوادگی بر موانع فردی، تأثیر موانع اماکن و امکانات بر موانع شهری و تأثیر موانع اجتماعی بر موانع خانوادگی اشاره کرد.

مدل برآمده از پژوهش، ساخت‌های اساسی و مؤثر بر موانع مشارکت جانبازان و معلولین در ورزش استان همدان را مشخص می‌کند و در سطح خود، قادر به تبیین آن‌ها و ارائه کارکردهایش است. در واقع، این مدل، جزء کوچک یا بازسازی کوچک شده پدیده واقعی و بزرگ‌تر یعنی موانع مشارکت جانبازان و معلولین در ورزش استان همدان است که از لحاظ کارکرد با آن یکسان است. بدین ترتیب در شرایطی که امکان دسترسی به تمام جزئیات امور و روابط پدیده‌ها در این حوزه‌ها، پرهزینه و وقت‌گیر است، مدل حاضر، آنها را سهل و آسان می‌کند و با برخورداری از امکان تجزیه و تحلیل، پیش‌بینی نتایج را ممکن می‌نماید.

بر اساس نتایج این پژوهش، مدیران برای مشارکت هر چه بیشتر جانبازان و معلولین در برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی می‌بایست مجموعه‌ای از عوامل به‌هم‌پیوسته از قبیل عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مانند میزان درآمد ماهیانه، محدودیت‌های اجتماعی، آداب و رسوم، حمایت‌های سازمانی و وسایل و امکانات) که در مشارکت ورزشی دخالت دارند را مورد توجه قرار دهند. البته میزان اثرگذاری هر کدام از عوامل نیازمند تحقیقات بیشتر است. بدیهی است عوامل فرهنگی با عوامل اقتصادی یا عوامل

خانوادگی، تبلیغات و زیرساخت‌های ورزش باهم مرتبط هستند و هرکدام بر مشارکت ورزشی تأثیر دارند. نگرش سیستمی نیز این موضوع را مایید می‌کند. مدیران و مسئولان مربوط به امور جانبازان و معلولین می‌بایست در نگرش خود نسبت به کارکردهای ورزش به‌ویژه برنامه‌های مربوط به ورزش‌های آموزشی و تفریحی در حوزه ورزش جانبازان و معلولین بازنگری نمایند و از برنامه‌های ورزش جانبازان و معلولین حمایت کنند. قوانین مصوب در این زمینه وجود دارد، اما در بسیاری مواقع به‌درستی اجرا نمی‌شود. مدیران می‌توانند با تدارک وسایل و امکانات و همچنین فرآیندهای تشویقی، زمینه مشارکت جانبازان و معلولین را در برنامه‌های ورزشی فراهم نمایند. درنهایت می‌توان گفت که با افزایش منافع مشارکت ورزشی به‌ویژه منافع سلامتی و تفریحی و همچنین با برطرف نمودن موانع مشارکت به‌ویژه موانع اجتماعی و امکاناتی، مشارکت جانبازان و معلولین در فعالیت‌های حرکتی و ورزشی افزایش می‌یابد.

به‌طور کلی باید گفت جانبازان و معلولین نیز مانند سایر افراد جامعه حق استفاده از تسهیلات ورزشی و رفاهی را دارند و با توجه به شرایط جسمی آنان می‌بایست محیط از لحاظ امکاناتی و روانی شرایط حضورشان را داشته باشند. در نظر داشته باشیم که ده درصد از افراد جامعه را معلولین و جانبازان تشکیل می‌دهند و استفاده از تسهیلات ورزشی حق طبیعی آنان است ورزش برای معلولین مفهوم وسیع‌تری دارد. فرد معلول می‌تواند با ورزش محدودیت‌های حرکتی خود را کم‌رنگ نماید، استقلال خود را به دست آورد و فرد مفیدی برا جامعه خود باشد. به همین جهت جامعه می‌بایست با برطرف نمودن موانع مشخص‌شده و همچنین ایجاد انگیزه‌های مشارکت شرایط لازم را برای حضور آنان در ورزش فراهم نماید.

منابع

- آقایی، ن. ؛ فتاحیان، ن. (۱۳۹۱). «تجزیه و تحلیل تطبیق‌پذیری موانع مشارکت ورزشی دبیران زن ورزشکار و غیر ورزشکار با استفاده از مدل هر می موانع کرافورد». *دو فصلنامه پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی*، سال دوم، شماره ۴، ص ۱۷۵-۱۶۱.
- اشرفی، س.؛ کاشف، س. م و سید عامری، س. ح. (۱۳۹۲). «ارتباط بین عوامل بازدارنده فعالیت بدنی با مراحل تغییر رفتار ورزشی در جانبازان و معلولین شهر ارومیه». *مجله پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی*، دوره ۲، شماره ۳، ص ۱۲۸-۱۱۵.

- بخشی مشهدلو، ر؛ گل صنم لو، م.؛ کیوانی هفشجانی، ز. (۱۳۹۶). «همبستگی منافع و موانع مشارکت در فعالیت های حرکتی و ورزشی با مشارکت جانبازان در این فعالیت ها؛ مطالعه موردی استان اردبیل». فصل نامه علمی - پژوهشی طب جانباز، دوره ۹، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۶.
- بخشایش، س. ح؛ بهمنی، ف؛ کمالی، م. (۱۳۹۱). «بررسی و مقایسه سلامت روان افراد معلول ورزشکار و غیر ورزشکار با نوع معلولیت». مجله طب جانباز، جلد ۵، ش ۱، صص ۲۶-۲۲.
- پور سلطانی زرنندی، ح؛ قاسمی، ح؛ حواصل، م.؛ مرادی، ف. (۱۳۹۶). «شناسایی موانع مشارکت جانبازان و معلولین استان البرز در ورزش». نشریه تحقیقات کاربردی علوم ورزش بدون مرز، دوره اول، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۶.
- حاتمی، س؛ صابونچی، ر؛ سخاوت، آ؛ آهار، م. (۱۳۹۱). «مقایسه کیفیت زندگی جانبازان و معلولین شرکت کننده و غیر شرکت کننده در ورزش همگانی». فصلنامه تحقیقات علوم ورزشی، سال دوم، شماره ۷، صص ۳۸-۲۹.
- حمایت طلب، ر؛ باقرزاده، ف؛ حومنیان، د؛ افشاری، ج. (۱۳۹۳). «شناسایی طبقه بندی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر مشارکت ورزشی جوانان شهر تهران با روش سلسله مراتبی گروهی». مجله علوم روانشناختی، دوره سیزدهم، شماره ۴۹، صص ۳۴-۲۵.
- دانایی فرد، ح. الوانی، س. م؛ آذر، ع. (۱۳۸۳). «روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع». چاپ اول، تهران، انتشارت صفار.
- شفیع پور مطلق، ف.؛ ترابی نهاد، م. (۱۳۹۵). «رویکردهای مناسب سازی محیط فیزیکی زندگی معلولان: ابعاد و مؤلفه ها مورد مطالعه؛ معلولان تحت پوشش بهزیستی شهرستان مرند». منتخب مقالات همایش ملی مناسب سازی اماکن و معابر.
- قهرمان تبریزی، ک.؛ محمود آبادی، م. ج. (۱۳۹۴). «شناسایی و اولویت بندی موانع مشارکت کارکنان ادارات دولتی استان کرمان در فعالیت های ورزشی با رویکرد منسجم آنالیز چند معیاره و کپ لند». نشریه مدیریت ورزشی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۹۸-۸۳.
- محمدپور، ا. ح. (۱۳۸۹). «روش های تحقیق ترکیبی به عنوان سومین جنبش روش شناختی: مبانی نظری و اصول عملی». نشریه جامعه شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۱۰۰-۷۷.

مرتضایی، ل.؛ اندام، ر. (۱۳۹۳). «بررسی روایی و پایایی پرسشنامه انگیزه های مشارکت زنان در ورزش های تفریحی آبی». پژوهشهای کاربردی در مدیریت ورزشی، سال دوم، ش ۴، ص ۲۲.

یاراحمدی، ج.؛ نیکبخت، م. ه.؛ نژاد موجنی، ف.؛ زارعیان، ح. (۱۳۹۵). «بررسی اوقات فراغت جانبازان و معلولین با تأکید بر فعالیت های ورزشی». پنجمین کنفرانس ملی علوم کاربردی در ورزش. یاموسی، ع. (۱۳۹۰). «بررسی موانع فرهنگی، اجتماعی و ورزشی معلولین و عدم مشارکت آنها در فعالیتهای حرکتی». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر.

Alyson J.Littman, M.P.H.abcErin D.Bouldin, M.P.H.abJodie K.Haselkorn , M.P.H.cde (2017). This is your new normal: A qualitative study of barriers and facilitators to physical activity in Veterans with lower extremity loss. Disability and Health Journal, Volume 10, Issue 4, October 2017, Pages 600-606.

Azizi B, Jalali Farahani M, Khabiri M. (2011). Students' attitudes toward dormitory at university campuses in Tehran. Sports Manag. 2011; 8(1):75-91. [Persian]

Brent L.Hawkins, LRT/CTRSBrandi M.Crowe , LRT/CTRS (2018). Contextual Facilitators and Barriers of Community Reintegration among Injured Female Military Veterans: A Qualitative Study. Archives of Physical Medicine and Rehabilitation, Volume 99, Issue 2, Supplement, February 2018, Pages S65-S71.

Carrington, S, & Elkins, J, (2005). Comparison of a traditional and an inclusive secondary school culture, In J, Rix (Ed), Policy and power in inclusive education: Values and practice (pp, 85-95), London: RoutledgeFalmer.

Jimes A, Tandy R, Busser L. (2010). The influence of perceived competence activity importance and barriers on adolescent leisure participation. J Europ Physic Educ. 2010; 66(2):305-9.

Marshall, J., Ralph, S., & Palmer, S. (2002). "I wasn't trained to work with them: Mainstream teachers' attitudes to children with speech and language difficulties" *International Journal of Inclusive Education*, 6(3), 199–215.

Mary L., Theresa P., Gillian K., Patricia H., (2007). Perceived Environmental Barriers to Recreational, Community, and School Participation for Children and Youth with Physical Disabilities, *Archives of Physical Medicine and Rehabilitation*, Volume 88, Issue 12, December 2007, P: 1636-1642.

Moosavirad ST, Keshavarz L.(2015). Relation between leisure and mental health teachers' athletes and nonathlet Shahin Shahr city. *Organ Behav Manag Sport Stud*. 2(6):73-80.

Rita Saini (2013). A Study on Girls Participation in Games and Physical Activities: Socio Cultural Hindrances, University College of Education, Kurukshetra University Kurukshetra, Golden research thought, Vol - I, ISSUE – IX.

Safania A, Mokhtari R. (2012). Participation in sports activities in leisure time and quality of life of active and inactive disabled war veterans and disabled people. *Int Res J Appl Basic Sci*. 2012; 3(4):859-67.

Smith, C.P., Johnson, W., (2007). Psychological Functioning & changes in leisure. Life style among Individuals with chronic secondary health problems related to spinal cord injury, *Therapeutic recreation journal* 27 (4), p: 239-252.

Wicker, P., Hallmann, K., Breuer, C. (2014). Micro and macro level determinants of sport participation. *Sport, Business and Management: An International Journal*, 2(1), pp: 51 – 68.

Vahdaniniya MS, Gashtasbi A, Montazeri A, Maftoon F (2005). "Health-related quality of life in the elderly: A population study". *Payesh*. 2005; 4(2):113-20. [Persian]



Yazicioglu, K., Yavuz, F., Goktepe, A. S., Kenan Tan, A. (2012). "Influence of adapted sports on quality of life and life satisfaction in sport participants and non-sport participants with physical disabilities". *Disability and Health Journal*, 5, pp: 249-253.

Zebardast A, Sharifiyan E. (2016).” Evaluation of Barriers Effecting the Participation of Iranian Spinal Cord Injuries in Recreational Physical Activities”. *Sport Manag.* 2016; 8(3):343-57. [Persian]